

نافرماني هاي مدني (7)

15 مه 2008

منوچهر گنجي

پنجاه ، شصت سال پيش حتى تصور بازداشت و محاکمه افراد بلند پایه ای چون میلوسوویچ ، پینوشه ، حسن هبره ، چارلز تیلیر (لیبیا) و یاران پل پت در کامبوج هم در میان نبود. امروز ما نه تنها سابقه دادگاه نورنبرگ و توکیو را بعد از جنگ جهانی دوم در ارتباط با محاکمه سران حکومت آلمان نازی و ژاپن ، هم پیمانش را داریم بلکه تجربه دادگاههای جنایت علیه بشریت کیگالی (رواندا) و دادگاههای کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه جنایی بین المللی لاهه و تجربه محاکمه صدام و جنایتکاران رژیم او در عراق را داریم.

امروز ما میثاق های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ، اعلامیه جهانی حقوق بشر ، مقاله نامه منع زجر و شکنجه ، مقاله نامه حقوق و آزادیهای برابر زنان ، حمایت از کودکان ، حمایت از آزادیهای سندیکاهای کارگری به همراه 200 مقاله نامه کارگری و دیگر دهها اسناد گوناگون معتبر مربوط به حقوق و آزادیهای فردی در سطح جهان داریم.

موفقیت موج آزادیخواهی در هر کشور نیاز به گسترده ای وسیع از زنان و مردان و جوانان آزادیخواه و کوشنده دارد. در سراسر کشور باید کوشندگان و دست اندر کاران متعهد و آگاه حقوق بشر و مبتکران و نو آوران فرایند آزادی و دموکراسی گرد هم آمده و دیگران را آگاه نمودند و روحیه ساز و الهام بخش آنان در مبارزات آزادیخواهی باشند. خواست های آنان از مبارزه با هر گونه تبعیض و فساد در جامعه و تامین کار و دستمزد مناسب برای همه شروع شده ، شامل برگزاری انتخابات آزاد ادواری ، منع هر گونه تبعیض در جامعه ، تامین آب آشامیدنی سالم ، تامین هوای به دور از آلودگی ، تامین غذای مناسب ، بهداشت و درمان و مسکن مناسب ، آزادی زندانیان سیاسی و مراعات دیگر حقوق و آزادی های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های حقوق بشر میگردد.

برای موفقیت باید تفکر استراتژیک را بکار بندیم ، به آن مفهوم که چگونه از آنچه در اختیار داریم ، در جهت رسیدن به اهداف خود، بهترین بهره برداری کنیم. باید بیاموزیم و تاکتیک هایمان را با استراتژی هایمان سازگار کنیم.

هنگامی که تاکتیک هایمان در اثر گذاری بر نزدیک شدن به هدف ها با شکست مواجه میشوند باید آنها را کنار گذاشته ، تاکتیک های ابتکاری و نوین و تاثیر گزار دیگری بیابیم و جانشین آن کنیم.

محققین نافرمانی های مدنی به طور کلی اجزای به هم پیوسته و بسیار مهم نافرمانی های مدنی را به پنج مرحله زیر خلاصه کرده اند.

پله اول : آمادگی فرهنگی :

وجدان آگاه و متعهد ، هر تغییر و تحول انقلابی فرهنگ خود را طلب می کند ما باید به آنچه که می خواهیم اول خود اعتقاد داشته و به آن عمل کنیم و آن وقت دیگران را به سوی آن ترغیب نمائیم .

همه با هم باید فرهنگ مقاومت را در عمل بوجود آوریم و بدان پای بند باشیم . فرهنگ ، دیگی که برای من نجوشد سرسگ در آن بجوشد ، این نیز بگذرد ، سري که درد نمی کند دستمال نمی بندند، اي بابا تا بوده همین بوده ، که فرهنگ ضد مقاومت است را باید به زباله دان تاریخ بی اندازیم ، باهم باشیم با عدد و رقم و استدلال

مسائل را بررسی کنیم و با دید مثبت به آینده بنگریم و به نیروی عظیم و لایزال خود ایمان آوریم و به تفضیل به ترسیم نظام و محیطی که آرزو داریم با هم بسازیم و در آن زندگی کنیم بپردازیم .

باید با هرگونه دروغ و فساد و تبعیض و سر هم بندی و باری به هرجهت و حق کشی صمیمانه مبارزه کنیم و احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی و کوشش در تامین حداقل معاش و رفاه برای همه را یکی از خصوصیات اساسی زندگی خود و کشورمان کنیم.

همانطور که از قدیم گفته اند جامعه به مانند خانه ای می ماند که پایه و اساس و زیر بنا و حیاط آن را مردم و همکاری و فرمانبرداری مردم تشکیل می دهد و پشت بام آن محل استقرار دولت و نیروهای سرکوب آن .

حال تصور کنید برای نیروهای سرکوب چه اتفاقی می افتد اگر پایه و اساس خانه تحمل سقف را نکند و سقف رها شود و فرو ریزد. سرنوشت توپ ها ، تانکها و آلات و ادوات سرکوب چه میشود. البته حکومتگران سرکوبگر چون منافعشان ایجاب میکند همیشه سعی میکنند که این واقعیت را وارانانه جلوه دهند.

داشتن دید و تصویر درستی از توان و قدرت مردم و از آنچه مبارزان به دنبال از قوه به فعل در آوردن آن هستند برای پیوستن دیگران به جرگه مبارزان حائز اهمیت فراوان است . چنین دید و تصویر درست از توان بالقوه مبارزان و از آینده پیکار است که باعث شارژ روحیه ها ، گسترش جرگه مبارزان ، اتحاد و همبستگی بیشتر میان آنان و به حداقل ممکن رساندن اختلافات و برخوردهای شخصی و تاکتیکی میان آنان میشود. داشتن استراتژی در این مرحله از اهمیت خاص برخوردار است و استراتژی به معنی ظرفی است که تمام ابعاد گوناگون برنامه های مبارزاتی ما ، از کوچک و بزرگ ، که در اثر مطالعات و کارشناسی های لازم به دست آمده اند در آن قرار گرفته است و به ترتیب اولویت به مورد اجرا گذاشته میشوند. البته استراتژی بزرگ ما همچنین بستگی به عمل کرد رژیم و تصویر جامعه ای که ما دنبال آن هستیم را هم دارد . مطمئناً ما فقط به دنبال اضمحلال رژیم آخوندی نیستیم بلکه به دنبال جایگزینی آن با یک نظام آزاد ، دموکراتیک ، لائیک سازنده و کثرت گرای معتقد به حقوق و آزادیهای اساسی تمامی مردم ایران که حافظ استقلال ، حاکمیت و تمامیت ارضی ایران باشد و با سایر کشورها در صلح و صفا زندگی کند هستیم .

خودداری از هرگونه کمکی به رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و منزوی کردنش از مردم نیاز به کار تشکیلاتی مداوم دارد. جمهوری اسلامی یک نظام مردمی نیست . رژیمی که در هر قدم از مردم عوارض و جریمه می گیرد و کمر حقوق بگیران را زیر بار اجبار به چند کار متفاوت در شبانه روز برای سد جو و عوارض و مالیاتهای گوناگون شکسته است و در آمد نفت و گاز را رسماً" به این و آن می بخشد و غارت میکند و خودش دست اندرکار قاچاق و بازار سیاه است ، مشروعیتی ندارد که به آن مالیات بپردازند.

ندادن اطلاعات به ماموران رژیم صورت دیگری از مبارزه است .

هنوز هم به مردم باید مورد به مورد نشان داد، باید گفت که آنها در این سی سال با علم کردن اسلام ناب محمدی ، امام حسین ، چاه جمکران و راه قدس از کربلاست و....، تنها در پی ادامه حکومت نحس خود و پرکردن حسابهای بانکی خارج از کشور خود و تصاحب مال و دارائی های دیگران و نشستن در ساختمانهای مجلل و اتومبیل های ضد گلوله و صیغه کردن زنان و... بوده اند و بس ، نه به فکرایران و آینده فرزندان ایران .

ناسیونالیسم ایرانی بزرگترین دشمن نظام آخوندی و مهمترین هدف دشمنی های آن است . جمهوری آخوندی تنها هنگامی که با ایستادگی عمومی روبرو میشود نگاه خود را بر میگرداند و به آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی اجازه زندگی می دهند.

متخصصان نافرمانی های مدنی چهارچوب مبارزات نافرمانی را به پنج بخش تقسیم می کنند :

- 1) آمادگی فرهنگی
 - 2) سازماندهی
 - 3) مقابله
 - 4) عدم همکاریهای عمومی سیاسی و اقتصادی
 - 5) ایجاد سازمانهای موازی با حکومت برای به دست گرفتن حاکمیت .
- مهاتما گاندی می گوید " ما به طور فردی و جمعی باید خود مظهر آن اصول و تغییراتی باشیم که طلب می کنیم .

یعنی ذات نایافته از هستی بخش نباشیم ، یعنی ما مبارزان آزادیخواه ایران در روابط مان با یکدیگر و با مردم باید نقش الگویی را ایفا کنیم . ما باید در رفتار و کردارمان با دیگران رویایی از زندگی بدون رژیم جمهوری اسلامی را برای مردم مجسم کنیم . به طور مختصر یکی از مهمترین وظائف هر جنبش انقلابی آزادیخواه ایجاد و به نمایش در آوردن الگوی کوچک آن چیزی است که مردم به جای رژیم دروغگو و فاسد سرکوبگر جمهوری اسلامی می خواهند داشته باشند.

پله دوم : سازمان و تشکیلات :

پایه و اساس هر نوع مبارزه پیگیر و اساسی را سازمان و تشکیلات و دانش و جهان بینی وسیع و کارائی رهبری مبارزان و امکانات مالی ضروری تشکیل می دهند . باید توجه داشت که معمولا" همیشه در ابتدا کار با سازمان و تشکیلات کوچک ، با تعداد معدودی از افرادی که با یکدیگر آشنائی قبلی داشته و به یکدیگر اعتماد دارد ، شروع می شود و سپس به تدریج توسعه می یابد . تنها از طریق سازمان و تشکیلات است که میتوان توان لازم برای مقابله با رژیم و بسیج مالی و رسیدن به پیروزی را کسب نمود. فعالیت‌های پراکنده _ موسمی Feelgood ، هیچگونه ربطی به کار سازمانی مداوم و با برنامه و در نهایت نتیجه بخش ندارد. باید سعی کرد هم آینده نگر بود وهم کار امروز را به فردا نینداخت .

تا آنجا که میسر است باید به تشکیل سازمانهای غیر دولتی پرداخت و با سازمانهای غیر دولتی مستقل موجود مانند اتحادیه های کارگران ، سازمانهای معلمان ، سازمانهای زنان ، سازمان مصرف کنندگان ، سازمان دانشجویان ، دانشجویان ، اصناف گوناگون ارتباط داشت با آنها همکاری نمود و از حمایت آنها برخوردار شد.

باید توجه داشت که شرط موفقیت هر جنبش مردمی گسترش هرچه بیشتر آن است و شرط گسترش، اعتماد، علاقه و احترام متقابل در میان اعضا است . اینجاست که تمهیدات لازم برای شناسائی عوامل نفوذی رژیم و درانزوا قراردادن آنها ضرورت پیدا میکند. البته بهترین نحوه مقابله با آنها اتحاد و همبستگی و اعتماد متقابل بین اعضای سازمان و تشکیلات و گسترش هرچه وسیع تر آن در سراسر کشور است .

هدف اصلی این مرحله از مبارزه ، توسعه سریع جنبش مردمی در سراسر کشور به نحوی است که تعداد قابل توجهی از مردم ، بخصوص جوانان ، به آن به پیوندند تا بتوان به شکل قابل توجهی ستونهای حفظ و حمایت رژیم را سست کرد به مخاطره انداخت و فرو ریخت .

برای موفقیت ، جنبش باید در سراسر کشور ، بالاخص شهرهای کوچک و بزرگ کشور ، گسترش یافته و روز به روز بزرگتر شود. در پیوستن به آن نباید هیچگونه تبعیضی بکار برد. درهای آن باید به روی همه علاقمندان باز باشد ، ضمن اینکه تدابیر ضروری را باید برای شناخت جاسوسان و عوامل نفوذی رژیم بکار گرفت .

از جمله کارهای ما در این مرحله ماسک از چهره رژیم و عوامل آن ، در همه زمینه ها ، برداشتن ، ثبت و ضبط کارنامه آنها و مردم را هر روز بیشتر آگاه کردن است . ما در این مرحله از نافرمانی های عمومی علیه رژیم به منظور به زیر کشیدن آن از عرصه قدرت و برقراری دموکراسی ، کثرت گرائی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود به اتحاد و همبستگی همه آزادیخواهان ایران از همه گروهها نیازمندیم . در این مرحله کار ما فراگیر و همگانی است و به هیچوجه شباهتی با کار یک حزب یا یک گروه سیاسی

خاص ندارد. در این مرحله همچنین در ضمن آماده سازی خود برای اجرای برنامه های نافرمانی علیه رژیم ، ما همچنین باید به طور جمعی از لحاظ سازمانی خود را به ترتیب مقتضی برای تشکیل حکومت موقت ، تهیه پیش نویس قانون اساسی ، برگزاری انتخابات مجلس موسسان و دیگر کارهای ضروری در این زمینه ها آماده کنیم

در تمام این مراحل مبارزان باید سخت مراقب رخنه کردن عوامل نفوذی رژیم به منظور جاسوسی و ایجاد اختلاف میان آنان ، شناخت کمک دهندگان به آنان و منحرف کردن شان از کارهای مبارزاتی باشند ، البته به نحوی که باعث فلج کردن کارهای اساسی جنبش نشود.

تجربیات بیش از یک صدسال گذشته مبارزات مردم خود ما و تجربیات چند دهه اخیر هندوستان ، آفریقای جنوبی ، فلیپین ، لهستان ، شیلی ، مجارستان ، چکسلواکی ، آلمان شرقی ، صربستان ، پرو ، کشور های بالتیک ، اوکراین ، گرجستان میتوانند برای ما آموزنده باشند.

امروز یکی دیگر از کارهای ضروری و اساسی از جانب ایرانیان آزادیخواه درون کشور همچنین ایجاد یک سازمان سراسری قدرتمند مراعات حقوق بشر و آزادیهای اساسی در درون کشور است، و این کار شدنی است .

پله سوم : مقابله با رژیم (عدم همکاری عمومی)

باتوجه به اینکه سربقاي هر رژیم دیکتاتوری همکاری مردم با آن و یا بی تفاوتی مردم در مقابل آن است ، استراتژی ما در مقابله با رژیم باید تضعیف هرگونه همکاری با آن و گسترش موج مخالفت ها و بی تفاوتی ها در رویارویی با آن و در نهایت پایان دادن به عمر آن باشد. بنابر این از جمله وظایف مخالفان آزادیخواه شناسایی درست ستونهای حفظ و استقرار رژیم و برنامه ریزی درست برای سست کردن پایه های این ستون ها و در نهایت فرو ریختن آنها است .

در صربستان مبارزان جوان صرب به خوبی فهمیده بودند که یکی از مهمترین ستون های حفظ رژیم پلیس و نیروهای انتظامی و نظامیان هستند. هر وقت که میتوانستند به ترتیب لازم در میان آنان نفوذ میکردند، به آنها می فهماندند که مبارزات علیه آنان نیست ، به جای بکار بردن خشونت های پلیس در مقابل خشونت های پلیس و دیگر نیروهای انتظامی ، در زمان تظاهرات ، دست به عکس العمل های غیر خشونت آمیز در مقابله با آنان میزدند . در این نوع مواقع توصیه آنها به یارانشان این بود : همیشه به خاطر داشته باش " درد زمانی بروز میکند که تو ترسیده ای " آنها از زخمی شدگان خود فوراً عکس می گرفتند ، پلیس های ضارب را شناسایی می کردند . آدرس منزل آنها را پیدا می کردند . عکسها را بزرگ می کردند . با شناسایی قبلی خانه نظامی یا پلیس ضارب عکسهای بزرگ را به دیوار خانه او می چسباندند تا همه ببینند که همسایه آنها کیست . با همسایه های او به طوری که شناسایی نشوند صحبت می کردند. آدرس مدرسه بچه های او را پیدا می کردند ، عکسهای او را به دیوار مدرسه بچه ها می زدند و نشان می دادند که ضارب در عکس کیست . با بچه های آنها صحبت می کردند بدون اینکه نام ونشانی از خود بجای بگذارند نتیجه همه این برنامه ها به گونه ای بود که بعد از گذشت یکسال در صربستان کمتر پلیسی پیدا میشد که دست به چنین اعمالی بزند. آنها همچنین افراد نفوذی پلیس با لباس شخصی را شناسایی می کردند با آنها به گفتگو و مزاح می پرداختند و آنها را تشویق میکردند تا به صف مردم بپیوندند. در نتیجه همه این اقدامات گسترده جوانان صرب بود که در روز موعود، در جلوی پارلمان و در راههای سراسر کشور پلیس که به بلگراد منتهی میشد هیچگونه مزاحمتی برای آزادیخواهان به پاخواسته صرب به وجود نیاورد.

هدف اصلی این مرحله از مبارزات گسترش هرچه بیشتر جنبش آزادیخواهی به نحوی است که ورود به مرحله بعدی که مرحله عدم همکاری های گسترده سیاسی و اقتصادی با رژیم و سخت در تنگنا قراردادن آن است را به خوبی فراهم سازد. این مرحله از جمله مهمترین مراحل مبارزات آزادیخواهان است، که کل کشور را در بر می گیرد. در این مرحله مردم بیش از پیش انگیزه برای توجه به مسائل مطروحه از جانب جنبش آزادیخواهان را پیدا کرده اند. در این مقطع کار جنبش درمکانی قرار دارد که چه بسا با دست زدن به اعمال گوناگون مقابله های محدود با رژیم عدم همکاری های بزرگ و عمومی مردم را در مقابل رژیم بر می انگیزد.

1) تظاهرات "مخمصه ای" درست کنید:

مبارزان صرب گاهی اوقات در خیابانها به اقدامات تئاتری خنده اور علیه سران رژیم دست میزدند، بخصوص در محله هایی از شهرها که محل ازدحام زیاد مردم بود. مردم به وضوح می دیدند که پلیس چگونه وحشیانه درمقابل آنها که فقط حاجی فیروز وار عمل می کند. عکس العمل نشان می دهد و آنها را بازداشت میکند این گونه اعمال مدتها دهان به دهان در سطح شهر و کشور پخش میشد و توجه مردم را به طور عجیبی علیه رژیم جلب می کرد و مردم را به همکاری با مخالفان ترغیب می نمود.

جوانان ما می توانند با برنامه ریزی قبلی از روزهای خاص مانند مراسم نوروز، سیزده نوروز، مراسم چهارشنبه سوری و مراسم و تظاهرات خیابانی رژیم، مانند عاشورا، تاسوعا، 22 بهمن، شهادت حضرت علی، روز مرگ خمینی، روز جمهوری اسلامی و امثال آن بدین منظور استفاده کنند. راه پیمائی عظیم دویست هزار نفری هم میهنان تبریزی در صبح روز جمعه 13 اردیبهشت ماه 1387 در پاسداشت روز ملی خلیج فارس را میتوان از این زمره تظاهرات و ابراز همبستگی و نشان دادن قدرت مردمی قلمداد نمود. رژیم سرکوبگر آخوندی هیچگاه نمی خواهد مردم راساً خارج از کنترل و برنامه ریزی های آن دست به کارهای قدرت نمائی مردمی، این گونه "People Power" بزنند. مردم تبریز رژیم را غافلگیر کردند، اگر رژیم مانع تظاهرات آنها می شد آبروی خود را بیشتر برده بود، اگر آنها را آزاد می گذاشت کنترل از دستش خارج شده بود در واقع هموطنان تبریزی در اینجا رژیم را در حالت بلاتکلیفی یا مخمصه ای قرار دادند.

2) در اجرای هرگونه برنامه ای گروه هدف مورد نظر ما باید مشخص باشد:

همیشه مبارزان باید با شناسائی و سنجیدن قبلی کلیه جوانب کار، برنامه هرگونه فعالیت نافرمانی را به نحوی تنظیم کنند که در نهایت در پایان در چارچوب استراتژی بزرگ گامی به جلو برداشته باشند.

قبل از به مورد اجرا گذاشتن هر برنامه ای ما باید از قبل ترکیب سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی هر بخش از جامعه را که می خواهیم در ارتباط با آن دست به هرگونه عملیات نافرمانی بزنیم و آن قشر را تحت تاثیر قرار دهیم، به خوبی شناسائی کرده و خصوصیات، حساسیت ها، آرزوها و احتیاجات آنها را در مد نظر داشته باشیم.

برای مثال شمیرانات یا جلوی وزارت دادگستری الزاماً جایی نیست که در مقایسه با سایر نقاط شهر تهران در آنجا دست به تظاهرات علیه بالابودن قیمت های مایحتاج روزانه زندگی و پائین بودن سطح حقوق و دستمزدها بزنیم.

3) برنامه موفق رسیدن به آزادی از طریق نافرمانی ها موسمی نیست بلکه از طریق نافرمانی های مستمر و دائمی است:

مهاتما گاندی آنرا "خلع ید از قدرت" از طریق استراتژی حملات دائمی، ابعاد گوناگون نافرمانی های مدنی، طبق برنامه از پیش ریخته شده مبارزان میخواند نه برنامه به دنبال دولتمردان حاکم حرکت کردن. البته گاه شرایط مبارزه ایجاب میکند که چنین عکس العملهایی انجام گیرد.

4) داشتن برنامه ای است که ما در موضع تهاجمی قرار می دهد:

با برنامه کار کردن یعنی در هر زمینه بسیج تمامی توانمان با هدف مشخص ، در طول مدت مشخص به نحوی که به طور واقع بینانه بتواند ما را به نتیجه مطلوب برساند، همانگونه که از توان خورشید تنها با یک ذره بین کوچک و حوصله میتوان آتش برافروخت ، با همان گونه پشتکار ، اتحاد ، برنامه و حوصله و تمرکز توان مردمی میتوان هر رژیم دیکتاتوری را به زانو در آورد و حیاتش را خاتمه داد. قدرت ما در حوصله ما است، ما میتوانیم مبارزات خود را فارغ از کاربرد خشونت آمیز برنامه ریزی کنیم و مردمی را که خواستار عدالت و زندگی آزاد هستند با خود همراه کنیم و یا برای مثال به ترتیبی که چند سال قبل از طریق "OTPUR" در صربستان ، جوانان دانشگاهی دست به تظاهرات ضد رژیم زدند و تعدادی از پلیسهای جوان با لباس مبدل که خود را در صف جوانان مبارز جا زده بودند با این هدف که شیشه ها را بشکنند و در نتیجه جوانان را با پلیس اونیفورم بر تن درگیر کنند ، شناسائی کنند. برنامه پلیس به قدری موفقیت آمیز بود که توجه جامعه را از فجایع رژیم به " خشونت دانشجویان " کشیده بود . پس از این حادثه بود که "OTPUR" تصمیم گرفت که از آن به بعد هرکس که خود را عضو "OTPUR" معرفی کرد و دست به خشونت زد و با پلیس درگیر شد را به عنوان مامور رژیم به مردم معرفی کند.

5) موضع مستحکم مادر مقابل اعمال ضد انسانی رژیم :

هدف کاربرد خشونت چیزی جز ایجاد محیط رعب و وحشت نیست . حکومتگران روی احساس درونی ما حساب می کنند ، روی ایجاد احساس ترس در ما به منظور عقب نشینی و تغییر روش کار ما . مردم اگر معتقد به راهی که می روند و پیروزی نهائی مبارزان باشند ، بطور عجیبی تحمل شان در برابر بازداشت و زجر و شکنجه ، حتی تا حد نثار جان خود زیاد می شود.

در مبارزه با رژیم های دیکتاتوری مهمترین انتخابی که اعضای هر جنبش مبارزاتی باید اتخاذ کنند عکس العمل آنها در مقابل اعمال سرکوب از جانب رژیم است . این طبیعی است که ما از خشونت ماموران سرکوب رژیم ، از بازداشت و زندانی شدن در سیاه چالهای رژیم ، از کاربرد انواع اعمال شکنجه و احياناً ناقص العضو شدن و ناخواسته و بی دلیل جان خود را از دست دادن بترسیم . رژیم آخوندی طی سه سال گذشته بارها و بارها دست به اینگونه اعمال علیه برادران ، خواهران ، مادران ، پدران ، دوستان و هموطنان ما زده است . هدف آنها دقیقاً " ارتکاب این گونه اعمال جنایتکارانه ایجاد ترس و وحشت در درون ما بوده است . اشتباه آنها اینجاست که اولاً" با ارتکاب این گونه اعمال شنیع آنان جامه جنایتکار علیه بشریت را بر تن خود می کنند و ما پرونده اینگونه اعمال را در دست داریم . ثانیاً" آنها فراموش کرده اند که بشر با امید زنده است و با امید سازماندهی میکند ، خطر میکند و بالاخره پایه های لرزان جمهوری آخوندی را بر میکند و در جهان حماسه می سازد.

مطمئناً" ایرانیان آزاده بالاخره حماسه ساز ایران آزاد فردا خواهند بود و آخوندهای تبه کار و هم پیمانان آنها را به زیاله دان تاریخ خواهند سپرد. حالا سوال اینست که چرا این افتخار را ما امروز از آن خود نکنیم . شاعر بزرگ ما می گوید :

تن که نه در راه عزیزان بود
بار گرانی است کشیدن به دوش
چنانچه با اتحاد و همبستگی وبا آگاهی و مطالعه و برنامه ریزی و داشتن
استراتژی درست و شهامت لازم کار کنیم مطمئناً" پیروزی از آن ما است .

پله چهارم : **عدم همکاری سیاسی و اقتصادی عمومی با رژیم :**

توان مردم در ادامه مقاومت و تحمل انواع اعمال سرکوب و خشونت و بازداشت های گسترده زمانی افزایش مییابد و سپس به اوج میرسد که مردم دورا دور طلوع خورشید روز پیروزی را در اثر شرایط زندگی و اعمال رژیم واپسگرای فاسد به خوبی حس کنند. هرچه سازمان ما گسترده تر ، خلاق تر ، مردمی تر و وابسته تر به اصول و ضوابط مهم فرهنگ مردم کشورمان ، توان و قدرت سازمانی ما و تاثیر گذاری آن بیشتر و بیشتر خواهد بود. این کار زمان و کار مستمر و زیاد و اعتقاد راسخ به پیروزی در میان مبارزان را طلب میکند.

هدف از عدم همکاری عمومی سیاسی و اقتصادی سرنگونی رژیم و جانشینی آن با یک نظام مردمی کثرت گرا و امروزی است .

به طور مختصر این راه ها شامل تحریم ها، اعتراضات جمعی ، کم کاری ها ، اعتصاب ها ، انواع نافرمانیها ، ایجاد راه بندانها ، ایجاد اختلال در صادرات نفتی کشور ، ایجاد خاموشی ها ، ایجاد اختلال در نظام مالیاتی و در عدم فرمانبرداری ارتشیان ، ماموران امنیتی و پلیس،... از رژیم میشود.

در صربستان ، اوکراین ، روسیه ، لهستان ، فیلیپین ، چکسلواکی ،... و در ایران 1357 در مراحل پایانی مبارزات ارتش و نیروهای امنیتی و پلیس اعلام بیطرفی یا پشتیبانی از مبارزان را کردند.

دیگر از راههای موثر در تضعیف رژیم سست کردن اعتقاد کسانی است که هنوز تحت تاثیر روحانی نمایان جنایتکار حاکم قرار دارند و دروغ هایشان را می پذیرند. باید در فرصت های مناسب و تا هرآنجا که لازم باشد این افراد را برواقتی آگاه کرد. وضع اسف انگیز و بس خطرناک کشور را ، فساد و بی لیاقتی ها ، بازداشت های خودسرانه ، زجر و شکنجه ها و وضع بد بیدادگاههای انقلاب را باید برای کسانی که تنها پیرامون خود را می بینند تشریح کرد و سپس با عدد و رقم انگشت روی نادرستی ، بی لیاقتی ، حیف و میل منابع ملی از جانب سران رژیم گذاشت . چرا درحالی که بیش از 40 درصد از جمعیت کشور ما زیر خط فقر زندگی می کنند باید سالانه چندین میلیارد از درآمد سرسام آور نفت کشور را صرف خانه سازی و پروژه های عمرانی و... در ونزویلا ، نیکاراگوئه ، بولیوی ، سوریه ، لبنان و نوار غزه و... کرد؟

مخالفت های ما ایرانیان با جمهوری اسلامی تاکنون بسنده نبوده است چون اکثرا" در انتظار دستی از خارج بوده ایم . نجات ایران از شرایط اسفبار کنونی تنها و تنها با برنامه ریزی ، اتحاد، پشتکار و نیرو و توان خود ما ایرانیان میسر است و بس . هرچه زودتر همه به این حقیقت پی برده و نیروهای خود را منسجم و یکی کنیم ایران را زودتر آزاد ساخته ایم . رای آزادانه و نظارت شده مردم است که سرنوشت کشور رو شکل حکومت را پس از برگزاری مجلس موسسان و تهیه طرح قانون اساسی کشور تعیین میکند. هیچ قانون و اکثریتی نمی تواند حقوق طبیعی و سلب نشدنی افراد را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است از آنها بگیرد. در ایران پس از این رژیم همه در مقابل قانون برابر خواهند بود و قوای سه گانه حکومتی مستقل از یکدیگر و حاکمیت از آن مردم خواهد بود .

در اینجا باید گفت که داشتن دورنمای روشن از آینده بعد از فروپاشی جمهوری اسلامی و آمادگی های ضروری برای به فوریت پرکردن خلاء حکومتی پس از فروپاشی آن از جمله مهمترین وظائف امروز مبارزان است .

پله پنجم : مرحله ایجاد سازمان ها و تشکیلات موازی جانشین ☺ دوباره
می سازمت وطن.

همانطور که مبارزان صرب در مورد نظام حکومتی میلوسویچ میگفتند ، در واقع ما نیز می توانیم بگوئیم که : دیکتاتوری آخوندی از مرگ سخن می گوید ، ما آزادیخواهان ایران از زندگی .

پس از سی سال و یا بیشتر ، زندان ، کشتار ، جنگ ، خفقان ، زجر و شکنجه ، و تبعیض و فساد و واپسگرایی و بیدادگری و عربده کشی و قانون قصاص 1400

سال پیش جامعه عرب بدوی و آلودگی نام پرآوازه ایران با گروگان گیری و بمب گذاری و تروریسم و سایر آلودگی ها ، بالاخره در اثر همت و جانبازی مستمر ایرانیان آزادیخواه و کثرت گرا چون بختیارها و سیروس الهی ها و شرافکندي ها دگر بارقنوس وار ایران از خاکستر خود سر بر میاورد و کوشش میکند وارد جرگه کشورهای مترقی جهان شده و آهنگ سریع رشد و ترقی و ساختن جامعه مدنی گسترده و پویا را از پائین به بالا به پیماید.

این مرحله ، مرحله فرو ریختن ستونهای قدرت رژیم نابکار جمهوری آخوندی است که در بررسی های قبل نیز بدان اشاره کرده ایم در اثر برنامه ریزی ها همت و پشتکار مداوم مبارزان این ستون ها ، که در واقع ارکان حفظ قدرت و پشتیبانی رژیم می باشند و شامل ، پلیس ، ارتش پاسداران و دستگاه امنیتی ، بوروکراسی ، رسانه ها ، مراکز کسب و کار و تجارت ، نظام آموزشی کشور و مذهب سازمان یافته می باشند یکی پس از دیگری از پشتیبانی رژیم سرباز میزنند و به سمت و جهت مبارزان آزادیخواه تمایل نشان می دهند.

این سازمانها و تشکیلات گوناگون مردمی که جامعه مدنی را در سراسر کشور به وجود می آورند و گسترش می دهند و مردم در آن مشارکت واقعی در امور گوناگون زندگی جامعه و امور مربوط به زندگی خود و جامعه شان را می بینند سرآغاز ایجاد جامعه نوین ایران خواهد بود که از پائین ترین سطح امور جامعه و تا بالاترین مراتب امور کشور را در برخواهد گرفت .

در مراحل پیشرفته مبارزات برای هماهنگی ، مطمئناً" مبارزان احتیاج به ایجاد شوراهای هماهنگی در سطوح مختلف محلی ، شهری ، منطقه ای ، استانی و کشوری خواهند داشت . در این مرحله در حقیقت دیگر قدرت بدست مردم افتاده است و در نهایت رژیم سقوط خواهد کرد و رژیم برخواسته از خواست آزادانه مردم جای آنرا خواهد گرفت. مردم افریقای جنوبی و اروپای شرقی با شعار " **انفاق به جای نفاق** " به پیروزی رسیدند . مانیز از این راه و تنها از این راه به پیروزی می رسیم .

آزادی ایران نه تنها باعث مشارکت همه ایرانیان در کار سازندگی و ترقی ایران خواهد شد بلکه باعث برگشت و مشارکت دهها هزار از متخصصان برجسته و کار آمد زن و مرد ایرانی الاصل مقیم خارج و صدها میلیارد دلار سرمایه ایرانیان خارج از کشور به سوی ایران برای سازندگی و شکوفائی و ایجاد کار در ایران خواهد شد.

پیش به سوی امروز